



لوگوس اندیشه، منطق و قانون نهفته در هستی است. لوگوس تغییرات و دگرگونی‌های جهان را وحدت و هماهنگی می‌بخشد و آن حقیقتی است که جمال جلوه یک چیز را فراهم می‌آورد یا به بیانی دیگر، تجلی و به ظهور آمدن چیزی را ممکن می‌سازد.

هراکلیتوس به جای واژه خدا غالباً واژه یونانی لوگوس به معنی عقل را به کار می‌برد.

محتویات

لوگوس اصل عقلانی حاکم بر جهان

لوگوس و متکلمین یهودی

لوگوس و متکلمین مسیحی

لوگوس و متکلمین مسلمان

لوگوس تنوع معانی زیادی دارد

پانویس

منابع

لوگوس اصل عقلانی حاکم بر جهان

لوگوس خصیصه‌ای در انسان است که او را به سوی قوهٔ تمیز، منطق، قضاوت درست، مرزبندی و ادراک می‌کشانند و با عقل و شعور مخاطب کار دارد. لوگوس از مهم‌ترین اصطلاحات رایج در مکاتب فلسفی یونان است که هفتصد سال قبل از میلاد مسیح، در خطابه‌ها به کار برده می‌شد و جای واژه‌های قدیمی‌تری مثل افسانه^[۱] و اسطوره^[۲] را گرفت.

در فلسفهٔ یونان باستان، لوگوس حداقل تا زمان فلسفه افلاطونی میانه و مهم‌تر از آن تا دوره فلسفه نوافلاطونی^[۳] اصل اول محسوب می‌شد. هراکلیتوس آن را محور نظم کائنات و اصل عقلانی حاکم بر جهان می‌دانست. نیرویی مادی که چون شعله آتش به همه جا گرمی و روشنی می‌بخشد. از دید فیلسوفان رواقی^[۴] (که حوزه درسی‌شان در یکی از رواق‌های آتن منعقد می‌شد) لوگوس «عقل کل» و علت‌العلل نظام آفرینش بود.

لوگوس و متکلمین یهودی

متکلمین یهودی و به ویژه فیلون اسکندرانی،^[۵]^[۶] لوگوس، را طرح خداوندی و قدرت او برای تداوم خلقت و معادل با پیامبر و رسول می‌پنداشت. چه بسا در نگاه فیلون، لوگوس به نوعی با نظریه مثل افلاطون گره خورده بود.^[۷] در متون دینی یهود لوگوس با خلقت و تقدیر و وحی در ارتباط است.^[۸]

شایان ذکرست که واژهٔ لوگوس در ترجمهٔ یونانی عهدعتیق موسوم به ترجمهٔ هفتاد Dabar است. Dabar علت بنیادی همه چیز است که با «پیام و عمل» تجلی پیدا می‌کند (مزمور ۱۰۷:۲۰ و تثنیه ۳۲:۴۶-۴۷). برای درک بهتر این واژه ضروری است که به پیش‌زمینه‌های اعتقادی یهودیان پیرامون مفهوم حکمت اشاره کرد زیرا که یکی از مفاهیم بنیادی لوگوس حکمت می‌باشد.

بنا بر اساس یهودیان خدا را صریحاً حمت خود جهان را خلق کرد، از این رو حمت، ریشه در ذات خدا دارد. این حمت در تورات به عالی‌ترین شکل ممکن جلوه‌گر می‌شد. در واقع کتب حکمتی عهدعتیق الهیات خلقت را ترسیم می‌کنند. اما در عهد

جدید حکمت الهی در مسیح تجلی می‌یافت و عهد جدید فراتر از آن خود مسیح را به‌عنوان حکمت خدا معرفی می‌کند (لوقا ۲:۴ و مرقس ۶:۲ و اول قرن‌تین ۱:۳۰). بدین‌سان آنچه در عهدعتیق ریشه در ذات خدا داشت حال در مسیح تجسم پیدا می‌کند.

لوگوس و متکلمین مسیحی

کلمنت اسکندریه^[۹] از بزرگترین متفکران مسیحی قرون نخست میلادی برای اینکه نشان دهد لوگوس همه چیز و همه جا را دربرمی‌گیرد، گفته بود: لوگوس آلفا و امگا است (حروف اول و آخر الفبای یونانی)

در مقدمه انجیل یوحنا، لوگوس و مسیح یکی می‌شوند. یعنی لوگوس حالت انتزاعی ندارد. لوگوس در انجیل یوحنا از معنی عقل به معنی «کلمه» تغییر جهت می‌دهد. «در آغاز کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود...» از نظر متکلمان مسیحی لوگوس در کلمه و مسیح بارز می‌شود.^[۱۰]

مسیح همچون حکمت، عامل خلقت است (یوحنا ۱:۳ و ۱۰). مسیح پیام و کلام خدا (لوگوس) به بشرست (یوحنا ۱:۱). در او نقشه و هدف الهی برای بشر نمایان می‌شود. در مسیح تفکر خدا پدیدار می‌گردد. سؤالی که با آن روبرویم آن است که چرا یوحنا به‌جای واژه حکمت از لوگوس استفاده کرد؟ به این سؤال می‌توان از چند بُعد پاسخ داد.

اولاً، لوگوس مفهوم حکمت را نیز در خود داشت و به‌علت حیطة معانی وسیع‌تر انتخاب بهتری بود. ثانیاً، یهودیان تورات را سمبل حکمت می‌دانستند، حال آنکه تجلی غایی این حکمت در مسیح می‌بود، از این رو واژه لوگوس گزیده بهتری به لحاظ بشارت برای مسیحیان تلقی می‌شد. از سوی دیگر، اطلاق ضمیر مؤنث به حکمت در عهدعتیق به‌خوبی نمی‌توانست تجلی لوگوس در مسیح را نمایان سازد.

لوگوس بیانگر ازلیت و پیش‌موجودیت مسیح است که در آغاز آفرینش جهان معنی و زندگی را شکل داد. لوگوس نمایانگر یگانگی ذات مسیح با خداست. لوگوس مکاشفه تفکر و شخصیت خداست.^[۱۱]

لوگوس و متکلمین مسلمان

ابن عربی و پس از وی جیلی به طرح و تبیین نظریه لوگوس همت گماشتند، که بر اساس آن بنیان‌گذار هر دینی، صورتی است از عقل کل یا لوگوس فراگیر یا به تعبیر آنان صورت حقیقت محمدیه می‌باشد. شاهکار ابن عربی، فصوص الحکم (گزیده‌های حکمت)، در حقیقت شرح نبوغ معنوی هر پیامبر، به عنوان «کلمه الله» می‌باشد. علاوه بر این، اصحاب طریقت معتقدند همان‌طور که هر وجودی در عالم مظهر و تجلی یکی از اسماء خداوند است، به همین ترتیب هر دینی نیز جلوه‌ای از اسماء و صفات خداوند می‌باشد و کثرت ادیان نتیجه مستقیم غنای بی‌پایان ذات الهی است. جیلی می‌نویسد:

«و هیچ چیز در عالم وجود نیست مگر اینکه با اقوال، احوال و اعمال و حتی با ذات و صفات خود، خدای متعال را می‌پرستد؛ و همه موجودات عالم خداوند متعال را فرمان می‌برند، گر چه اعمال عبادی به سبب اختلاف مقتضیات اسماء و صفات الهی اختلاف دارند.»^[۱۲]

لوگوس تنوع معانی زیادی دارد

لوگوس تنوع معانی زیادی دارد. یکی از معانی آن ارائه «تعریف درست» است. معناهای لوگوس در رشته‌های گوناگون هرچند با معنای حقیقی یا اصلی آن در یونانی کمی فرق می‌کنند، با این حال از آن جدا نیستند. در آثار متفکران یونانی رایج‌ترین معنای لوگوس حکمت و عقل، همچنین منطق و کلام است. از آنجا که در دوران باستان تفکر و عقل وجهی کلامی داشت امروزه لوگوس هم به معنای عقل و هم به معنای کلام فهمیده می‌شود. البته مفهوم «کلمه» را هم در خود دارد و به معنای صحبت کردن و سخن گفتن (نطق) نیز هست.^[۱۳]

لوگوس قبل از آن که اصطلاحی فلسفی باشد، به حوزه کاربرد عادی زبان تعلق داشته و به تدریج در تفکر فلسفی از مفهوم خاصی برخوردار شده‌است. اصل و نسب واژه لوگوس به یونان باستان برمی‌گردد و به ندرت نیز گفته شده که شاید مآخذ این اصطلاح مکاتب عرفانی شرقی و ایران باستان باشد. واژه لوگوس به لحاظ زبان‌شناسی، با lego پیوند دارد که به معنای

گفتن و زبان آوری است. لوگوس در عین حال حضور و بن (علت) است. از نظر هگل، لوگوس معادل با «روح» و در نزد ژاک دریدا^[۱۴] معادل با «نوشتار» است. ... لوگوس معمولاً با دو واژه «اتوس» Ethos = اخلاق و «پاتوس» Pathos = عامل و موجد طرح و تأثر = طرح هم‌نشین می‌شود.

یکی دیگر از معانی مترتب بر لوگوس، نشانه‌ها و عنایات الهی جهت راهنمایی انسان به سوی حق تعالی هست.^[۱۵] همچنین توشی‌هیکو ایزوتسو از آیت‌های الهی و ارتباط غیر زبانی میان خدا و انسان سخن به میان آورده‌است.^[۱۶]

پانویس

۱۱. «سوال: لوگوس چیست؟» (<https://christnetwork.k.net/سوال-لوگوس-چیست/>). ChristNetwork
دریافت‌شده در ۱۶-۱۲-۲۰۱۸.

۱۲. وحدت طریقت و نظریه لوگوس (ترجمه مقاله‌ای از سیدحسین نصر) ([http://nasour.net/1396.05.1\(3/957.html](http://nasour.net/1396.05.1(3/957.html))

۱۳. یکی از ترجمه‌های لوگوس منطق است و منطق و نطق با هم رابطه دارند.

۱۴. Jacques Derrida

۱۵. مصاحب، غلامحسین، دایرةالمعارف فارسی جلد دوم، مرجع اصلی کتاب دایرةالمعارف کلمبیا- تهران: امیرکبیر، کتاب‌های جیبی، ۱۳۸۷- صفحه ۲۲۵۱

۱۶. ایزوتسو، توشی‌هیکو Toshihiko Izutsu، ارتباط غیر زبانی میان خدا و انسان، مترجم: آرام، احمد، معارف اسلامی (سازمان اوقاف) فروردین ۱۳۸۸ شماره ۸(۱۲) صفحه، از ۵۱ تا ۶۲.

۱. epos

۲. mythos

۳. Neoplatonism

۴. رواق = فضای سرپوشیده نیمه‌باز و راهرو مانند

۵. فیلسوف یهودی هلنی که در دوران امپراتوری روم در اسکندریه، مصر، زندگی می‌کرد

۶. Philo of Alexandria

۷. نظریه مثل افلاطون، بیان می‌دارد که مثال‌های انتزاعی و غیرمادی، و نه جهان مادی تغییرپذیر که از طریق حواس پنج‌گانه بر ما معلوم است، والاترین و بنیادی‌ترین نوع حقیقت را داراست.

۸. پیشینه لوگوس در فلسفه یونان باستان و یهودیت بسیار بیش از این است.

۹. Clement of Alexandria

۱۰. قرآن هم مسیح را «کلمه الله» می‌خواند. (آل عمران/ ۴۵ و ۴۹ - نساء/ ۱۷۱)

منابع

- هم‌نشین بهار: لوگوس (Logos (http://www.hamneshinbahar.net/article.php?text_id=108)
- مجله کلمه (<http://www.kalameh.com/Pages/ArticleDetails.aspx?ArticleId=121>) شماره ۳۷ مورخ ۱۳۸۴/۰۱/۰۳
- عبدی اقدم، نعمت الله، سیر تطور معنایی لوگوس

دنیای سوفی

برگرفته از «<https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=لوگوس&oldid=31979550>»

این صفحه آخرین بار در ۴ مه ۲۰۲۱ ساعت ۱۰:۱۴ ویرایش شده‌است.

همه نوشته‌ها تحت مجوز Creative Commons Attribution/Share-Alike در دسترس است؛ برای جزئیات بیشتر شرایط استفاده را بخوانید. ویکی‌پدیا® علامتی تجاری متعلق به سازمان غیرانتفاعی بنیاد ویکی‌مدیا است.